

۲۹ دسامبر ۲۰۰۹



دجال و رجاله!

هین که دجال بیامد بگشا راه مسیح
هین که شد روز قیامت ...

ما از همه طرفداران آزادی بیان و دموکراسی می‌خواهیم از تجمع در خیابان و از شرکت در هرگونه تظاهرات، به ویژه تظاهرات مخالف‌نمایان خودداری کنند. این تظاهرات فقط با هدف سرکوب ملت ایران سازمان داده می‌شود تا حاکمیت جنایتکار آمریکا را در جایگاه «مدافع حقوق بشر» تثبیت کند. به همین دلیل است که سنای ایالات متحد برای دفاع از حقوق بشر در ایران قصد اعطای «اختیارات ویژه» به رئیس‌جمهور را دارد.

به پیشنهاد جوزف لیبرمن که می‌دانیم از طرفداران پروپاقرص «حقوق بشر» است، سنای آمریکا می‌خواهد به رئیس‌جمهور آمریکا اختیاراتی اعطاء کند که او بتواند برای «دفاع از حقوق بشر»، به ویژه در ایران دست به عمل بزند. این خبر «خوش» در رادیوفردا، مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۰۹، انتشار یافته. می‌بینیم که اهدای «نوبل صلح» به اوباما حکمتی داشت!



بی‌بی‌سی هم «محض احتیاط» و در واقع برای اطمینان دادن به مخاطب هالو، صورت مهاجمین را پوشانده تا بدانیم و آگاه باشیم که اگر چهره مهاجمین مشخص شود، جان‌شان در خطر خواهد بود، در صورتیکه چنین نیست! ما این تصویر را منتشر می‌کنیم تا هم سرداران جمکران با چهره چماقداران آینده کشور آشنا شوند، و هم شوت‌وپرت‌ها که در خیابان عربده می‌کشند، بدانند چه آینده درخشانی در انتظارشان نشسته: حکومت اوباش نظامی بدون ریش و بدون نعلین!

از قدیم گفته‌اند مستی و راستی! همه مقامات حکومت اسلامی با دیدن جمال بی‌مثال ارباب مست شده و راست می‌گویند، به ویژه پاسدار ال‌لاریجانی و پرزیدنت «ال‌مهرورزی!» و اما از رسانه‌های جمکران هم بگوئیم که از خود بیخود شده، پریشان می‌گویند ولی در این میان شهربانی کلنل آبرون‌ساید و ساواک حواس‌شان

محفل نوبل شکمش را برای یک جنگ خوب صابون زده. باری، به گزارش رادیوفردها، لیبرمن همچنین تأکید کرده که «مذاکرات هسته‌ای حقوق بشر را نیز شامل می‌شود». خلاصه سال ۲۰۱۰ میلادی اگر ما ملت شانس بیاوریم، سرنوشتی مشابه عراق و افغانستان خواهیم داشت، اگر نه، بجای ارتش آمریکا یک کاروان خردجال دیگر برای مان به راه می‌اندازند.

همچنانکه پیشتر گفتیم، خطبه اول نماز جمعه پیشین در واقع «پیام» ارباب به گروه طاعون سبز و رهبران‌اش برای تداوم آشوب‌ها بود. در راستای همین پیام است که سایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا تصویر تهاجم گروه‌های ضربت به مأموران انتظامی حکومت اسلامی را به عنوان تصاویر «درگیری مردم» با نیروهای مذکور به مخاطب حقه کرده به زبان بی‌زبانی از ایرانیان می‌خواهند تا از این نوع «مردم» یاد بگیرند! البته این تصویر دوست‌داشتنی توسط فرانس پرس مخابره شده و

خیلی خیلی خوب جمع است، و به تمرین همان برنامه بهمن ۱۳۵۷ مشغول شده‌اند. روند کار اینان اعزام نیروهای ویژه نظامی، یا همان گروه‌های ضربت با لباس مبدل به خیابان‌ها جهت تهاجم به نیروهای انتظامی است. نیروهائی که از قضای روزگار فاقد سلاح گرم هم هستند! روشن‌تر بگوئیم هدف از این عمل خدایسندانه، یعنی ایجاد درگیری بین نیروهای ضربت و نیروهای انتظامی این است که نخست به نیروهای انتظامی تفهیم کنند که در برابر «مردم»، یعنی در برابر همان نیروهای ضربت با لباس مبدل که از قضای روزگار به انواع فنون رزمی مسلط‌اند، جز باتوم هیچ سلاح دیگری نخواهند داشت و اگر در برابر چنین «مردمی» قرار گرفتند می‌باید فرار را بر قرار ترجیح دهند، در غیر اینصورت خون‌شان پای خودشان خواهد بود.

همچنانکه در تصویر فوق می‌بینیم، دو سه تن از «مردم» کذا بدون نقاب و بدون حجاب، با شلوار جین و کفش ورزشی در کمال «خونسردی» و با بهره‌گیری از مهارت‌های رزمی خود مشغول کتک زدن مأموران انتظامی هستند. مهاجمان کذا کوچک‌ترین نگرانی از عواقب عمل خود ندارند، چرا که مأموریت دارند با ایجاد تزلزل در نیروهای انتظامی، نه تنها زمینه سرکوب را گسترش دهند که برای کاروان خردجال آینده نیز زمینه مناسب را فراهم آورند. همچنانکه در سال ۱۳۵۷ نیز با ایجاد درگیری در بطن نیروهای مسلح همین تزلزل مطلوب برای فروپاشی به وجود آمد.

باری در تصویر کذا می‌بینیم، نیروهای انتظامی به سلاح گرم مجهز نیستند و مهاجمین نیز گویا بخوبی از این

امر آگاه‌اند! چرا که اگر این افراد مسلح می‌بودند به محض آغاز تهاجم به یکی از آنان، دیگران می‌بایست به سوی مهاجم یا مهاجمین آتش می‌گشودند، ولی می‌بینیم که هیچیک از نیروهای انتظامی اسلحه به دست ندارد و حتی یکی از آنان در حال فرار دیده می‌شود! در محل این درگیری «مردمی»، جمعیت به چشم نمی‌خورد، به عبارت دیگر از محل تظاهرات فاصله داریم! پس خوب به این تصویر بنگریم که «تظاهرات مسالمت‌آمیز»، «خط امام» و توحش جنبش سبز را متجلی می‌کند. عربده حاکمیت آمریکا و شرکای‌اش در سازمان ناتو برای دفاع از همین قماش حقوق و مطالبات به آسمان برخاسته. خشونت و توحشی که در این تصویر می‌بینیم، بازتاب اهداف واقعی رهبران خودفروخته جنبش سبز و اربابان‌شان در لندن و واشنگتن است. حال که از «اصل مطلب» یعنی آغاز روند «خودبراندازی» حکومت اسلامی آگاه شدیم بازگردیم به سخنان شیرین مقامات جمکران و در این مسیر از پاسدار لاریجانی آغاز کنیم که اخیراً در مصر به پابوس اهودباراک و نتان‌ياهو شتافته بود و یک «ده‌فرمان» نیز از دست‌های مقدس نخست‌وزیر اسرائیل دریافت کرد.

البته این ده فرمان با آن ده‌فرمان «بی‌بی‌گوزک‌های» کتب مقدس هیچ ارتباطی ندارد. ده فرمان نوین توسط حزب کارگر و لیکود در اسرائیل، تحت عنوان «رموز مملکت‌داری» و ویژه حکومت اسلامی تنظیم شده. خلاصه بگوئیم، این ده‌فرمان «قطب‌نمای بصیرت» را به دست جمکرانیان می‌دهد. وقتی پاسدار علی کوچیکه از مصر به تهران بازگشت علاوه بر رساندن پیام نتان‌ياهو به سرداران در مورد

بازار گرمی برای حاجیه عبادی، سه فرمان از ده فرمان کذا را به تساوی و با رعایت «عدالت علوی» بین مهرورزی، آیت‌الله مکارم شیرازی و شخص شخیص خود تقسیم کرده، هفت فرمان باقیمانده را نیز به برادر عیال‌اش، یعنی استاد «علی مطهری» تقدیم کرد. و اینچنین بود که خواهر شیرین عبادی را دستگیر کردند تا حاجیه عبادی نتوانند به دفاع از حقوق بشر ادامه دهند. اما حاجیه عبادی از آن بیدها نیست که از این بادها بلرزد، ایشان بلافاصله یک بیانیه سرشار از بلاهت صادر کرده به جهانیان گفتند، «به خواهرم گفته بودند اگر خانه‌اش را عوض نکند، و منم به دفاع از حقوق بشر ادامه دهم دستگیر خواهد شد!» متن این بیانیه با کد: ۱۱۴۱۸ در سایت پیک ایران مورخ ۸ دیماه ۱۳۵۸ منتشر شده.

دل چه خورده‌ست عجب دوش که من مخمورم
یا نمکدان که دیده‌ست که من در شوم
بوی جان هر نفسی از لب من می‌آید
تا شکایت نکند جان که ز جانان دورم

بله عبادی خیلی از حقوق بشر دفاع کرده، به ویژه از حقوق افتخار به دین و مذهب، عزاداری، پهن کردن سجاده، حق «صیغه شدن» دختر بچه‌ها، حق سنگسار و قصاص، حق مهمل گوئی، مداحی آخوند، ستایش از آخوند منتظری، و از همه مهم‌تر دفاع از حقوق «مشاهده روح» منتظری بر دوش فرشتگان بهشت و ... و خلاصه دفاع از حقوقی که هیچ ارتباطی با اعلامیه جهانی حقوق بشر نداشته، ندارد و نخواهد داشت. خوانندگان گرامی! تصدیق می‌کنید که فعالیت‌های «دمکراتیک» حاجیه عبادی به ویژه در ماه مبارک محرم، ارکان نظام «یزید»

زمان را حسابی به لزرزه درآورده، و خلاصه «یزیدیان» خواهرش را نیز به همین دلیل دستگیر کردند، باشد که تنور یخ‌زده کنیزکان مطبخی کاخ سفید گرم بماند، و اهالی مرز پرگهر تحفه محفل نوبل را از یاد نبرند. پس ما هم عبادی را رها کرده بازمی‌گردیم به ده فرمان اهدائی اهودباراک و نتانیاهاو به پاسدار ال لاریجانی، ملقب به علی کوچیکه!

دیده از خلق بیستم چو جمالش دیدم
مست بخشایش او گشتم و جان بخشیدم
جهت مهر سلیمان همه تن موم شدم

همچنانکه گفتیم سه فرمان از ده فرمان بین لاریجانی، مهرورزی و حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی تقسیم شد، و هفت فرمان دیگر را به علی مطهری دادند که «طرح ۷ ماده‌ای آشتی» ارایه کند. آیت‌الله مکارم به محض مشاهده تک فرمان کذا پرسشی بس عمیق مطرح کردند که در سایت تابناک منعکس شده. ایشان فرمودند، «آیا عقل اجازه می‌دهد که دشمن را شاد کنیم؟» بله، ژرفای این پرسش چنان بود که نویسنده این وبلاگ در آن غرق شده و هم اینک ادامه مطلب را از اعماق اقیانوس خرد حضرت آیت‌الله می‌نویسد. باری از آنجا که واژه‌های «عقل»، «دشمن» و «شادی» در زبان ملایان تعریف مشخصی ندارد، پاسخ به این پرسش حکیمانه برایمان مقدور نیست، پس برویم به سراغ تک فرمان پاسدار لاریجانی. ایشان که از تظاهرات حکومتی روز عاشورا سخت به وجد آمده بودند، ضمن هشدار به رهبران «مخالفان» از آنان خواستند راهشان را از جریان «زشت‌کار» جدا کنند. البته به نظر می‌رسد، روی سخن پاسدار لاریجانی بیشتر با میرحسین باشد که با

صدور بیانیه‌های الکی به پوچ سازی یا تهی کردن مطالبات مخالفان حکومت از محتوای مادی‌شان اشتغال دارد.

اظهارات لاریجانی در سایت «رادیوفردا»، مورخ ۸ دیماه سالجاری موجود است. پاسدار لاریجانی دارودسته موسوی را «چپ» و مخالفان حکومت توحش را «ضدانقلاب» معرفی کرده. چه خوب شد که فهمیدیم در جمکران، فاشیسم اسلامی و خط تحجر «امام» سیزدهم را «چپ» می‌خوانند! باری در همین جمکران یک جریان «چپ» وجود دارد که همچون دیگر گروه‌ها و تشکل‌های مبهم «سیاسی» در حکومت اسلامی، جیره‌خوار شبکه آمریکائی دلالان اسلحه و قاچاقچیان «شریف» مواد مخدر است، و خود را «مستقل» و ضدامپریالیست هم معرفی می‌کند. بقیه، یعنی ملت ایران که با کل این حکومت مزدور و بیگانه‌پرست مخالفاند، در رده «زشت‌کاران» قرار گرفته و علی‌لاریجانی «حکم جنگ» با آنان را صادر فرموده‌اند.

علی‌کوچیکه می‌فرماید، تظاهرات روز عاشورا «جنگ با خدا» بود و خلاصه تظاهرکنندگان طبق قوانین حکومت توحش «محارب» شناخته شده و باید کشته شوند! لاریجانی همچنین نانی هم به ارباب خود یعنی اوپاما قرض داده، و او را حامی مخالفان حکومت معرفی می‌کند حال آنکه اوپاما و شرکاء، به گواهی مواضع‌شان از فدائیان اسلام و آخوند و ریش و نعلین به شمار می‌روند. با این وجود جیره‌خواران در جمکران اصرار فراوان دارند تا اینان را مدافع حقوق بشر جلوه دهند، باشد که بر جذابیت‌شان بیفزایند. این واژگون نمائی در راستای سیاست «تابوسازی» صورت می‌پذیرد. از

قضای روزگار، حناز چوبه نیز با توسل به همین شیوه مزورانه به تبلیغ برای رضاپهلوی پرداخته! بگذریم و بازگردیم به طرح ۷ ماده‌ای «آشتی»، ساخته و پرداخته علی مطهری.

استاد مطهری کوچیکه می‌پندارد دولت جمکران و رهبران طاعون سبز «حق انتخاب» هم دارند و می‌توانند مسیر خود را به دلخواه انتخاب کنند. به عبارت دیگر این نابعه بزرگ جهان اسلام هنوز پیام قتل‌های سیاسی اخیر، به ویژه ترور خواهرزاده میرحسین مفلوک را نگرفته! پس مهملات علی مطهری را رها کرده می‌رویم به سراغ مهرورزی که در حناز چوبه، مورخ ۸ دیماه سالجاری به راستی حق مطلب را ادا کرده، و می‌گوید، حوادث عاشورا نمایشنامه‌ای استعماری بود!

رأی او دیدم و رأی کژ خود افکندم
نای او گشتم و هم بر لب او نالیدم
او به دست من و کورانه به دستش جستم
من به دست وی و از بیخبران پرسیدم
ساده دل بودم یا مست و یا دیوانه
ترس ترسان ز زر خویش همی دزدیدم

بله از حق نگذریم مهرورزی در مورد بخشی از حوادث کذا واقعا راست می‌گوید:

«... [نمایشنامه‌ای که صهیونیست‌ها و آمریکائی‌ها آن را سفارش دهند و بلیت‌اش را پیش‌خرید کنند فقط خودشان تماشاچی آن هستند. دکتر محمود احمدی‌نژاد ...] در محل نهاد ریاست جمهوری [حوادث روز عاشورا را] نمایشی تهوع‌آور [خواند].»

اتفاقاً ما هم با پرزیدنت مهرورزی موافق‌ایم! فقط گویا «مستر» پرزیدنت فراموش کرده‌اند که همچون دیگر مقامات حکومت جمکران خود ایشان نیز از بازیگران اصلی همین نمایشنامه مهوع به شمار می‌روند! باری حناز چوبه سخنان پرزیدنت مهرورزی را با کد: ۸۶۷۲۱۵ منتشر کرده. ما هم به مهرورزی توصیه می‌کنیم نگاهی به عکس فرانس پرس در این وبلاگ بیاندازد و به ما توضیح دهد، با توجه به شرایط موجود، به چه دلیل در صدد پاسخگوئی به نمایشنامه استعماری برآمده و قصد برپائی یک نمایش مهوع دیگر را دارد؟ ایشان همچنین به ما بگویند چرا «ناجا»، همچون رژیم شاه که سربازان وظیفه را در بحران سال ۵۷ در برابر مهاجمان خیابانی قرار داده بود،

نیروی انتظامی فاقد تجربه و غیرمسلح را در برابر جمعیت خشمگین قرار می‌دهد؟ همچنین می‌خواهیم بدانیم در روزهای تاسوعا و عاشورا کدام نهاد حکومت قدر قدرت اسلامی گروه‌های ضربت را با لباس مبدل برای تهاجم به نیروی انتظامی به خیابان‌ها آورده بود؟ اگر حوادث روز عاشورا ساخته و پرداخته دست استعمار است، که هست، مسلماً گروه‌های ضربت کشور امام زمان نیز از همان استعمار دستور می‌گیرند که در برخوردهای «رزمی» با نیروهای انتظامی از چنین «آزادی‌هائی» برخوردار شده‌اند! البته انصاف داشته باشیم! جماعت «تظاهرکننده» در این عکس، همانطور که تمام رادیو همبونه‌های پر از چرک و کثافت در بوق گذاشته‌اند، رفتاری بسیار «مسالمت‌آمیز» و عاری از هرگونه «خشونت» دارند! و بی‌دلیل نیست که حاکمیت آمریکا برای دفاع از حقوق اینان پای به میدان گذاشته.

هین که دجال بیامد ...